مستند

تویی که نمی‌شناختمت

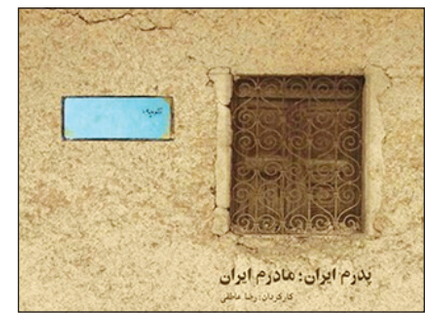

مستند «پدرم ایران، مادرم ایران» تولید مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی درباره شهدای نوجوان و جوانی است که کودکی‌شان در مراکز بهزیستی سپری شـــده است. فیلم با کنجکاوی فیلمساز درباره این شهدا و سرنوشت‌شان شروع می‌شود و در کنار روایت او شامل مصاحبه‌های مختلف با افرادی است که به‌نحوی با این شهدا آشنا هستند. «پدرم ایران، مادرم ایران» (رضا عاطفی) مرثیه‌ای درباره قهرمانانی است که در تاریخ دفاع‌مقدس آنطور که شایسته است، به آنها توجه نشده است. فیلمساز پای صحبت مربیان بهزیستی، خانواده و همرزمان شهدا می‌نشیند و از دل این حرف‌ها، اطلاعاتی درباره این نوجوانان و جوانان به بیننده ارائه می‌شود. اطلاعاتی که بسیاری از آنها را پیش از این نشنیده‌ایم. «پدرم ایران، مادرم ایران» در دســـته آثاری قرار می‌گیرد که به مسائل اطراف جنگ می‌پردازند، فیلمساز با وجود اطلاعات و منابع پراکنده‌ای که درباره موضوع فیلمش وجود دارد از جســـت‌وجو خسته نشده و با سر زدن به اطراف ایران سعی کرده رد پای شهدای بهزیستی را پیدا کند. فیلم با اشاره‌ای به غربت این بچه‌ها آغاز و با نمایی مشابه تمام می‌شود. در این سفر کوتاه، تماشاگر با قهرمانانی آشنا شده که وطن، خانه همیشگی آنان است.

مستند

این آغاز، پایان ندارد

«پـــروژه ازدواج» بـــه کارگردانـــی حســـام اسلامی و عطیه عطارزاده یکـــی از پربیننده‌ترین مستندهای اکران شده در پلتفرم هاشور در ۳ ماه اخیر بوده است. این مستند که ساختاری داستانی دارد درباره بیماران یک آسایشـــگاه روانی اســـت که براساس نظر یکی از روانپزشکان قرار است در طرحی، با هم ازدواج کرده و ســـر و سامان بگیرند. فیلم با تصاویری واقعی از زنی شـــروع می‌شود که همســـرش را به‌دلیل بیماری روانی از دست داده، این خط با خط اصلی فیلم یعنـــی ازدواج بیماران در هم ترکیب می‌شود تا تماشاگر تصویری واقعی از عشق، وجه زنانه و وجه مردانه آن به‌دست بیاورد. فیلمساز موفق شـــده با نزدیک شدن به بیماران و شـــناخت روحیه، علایق و دنیـــای آنان، تصویری تازه از یک بیمار روانی و مناسبات حاکم بر زندگی اجتماعی این بیماران ارائه دهد. فیلم، عاشقانه‌ای تلخ و تأثیرگذار است که از بایدها و نبایدهای یک اجتماع صحبت می‌کند و باعث می‌شود نگاه بیننده به بیماران روانی، محدودیت‌ها، تنهایی و مصایب زندگی آنها تغییر کند. گفتار متن خوب، ساختار منسجم و استفاده درســـت از عناصر داستانی این مســـتند را به فیلمی دیدنی تبدیل کرده اســـت. «پروژه ازدواج» دشـــواری‌های عشـــق و متفاوت زیستن را به یادمان می‌آورد.

مستند

تاریخ از زاویه‌ای تازه

امیرمسعود حسینی در مستند بازیگوشانه و خلاقانه «طاهر» به زندگی باباطاهر عریان، شاعر شهیر ایرانی پرداخته است. فیلم با روایت و صدای گرم ســـیامک صفری، مســـتندات تاریخی درباره این شاعر و شـــبهات اطراف او را مطرح کرده و بیننده را به چالشـــی بزرگ مهمان می‌کند: آیا بابا طاهر وجود دارد یا این شخصیت زاییده اشتباه‌های تاریخی است؟ مستند «طاهر» با ساختاری منسجم و یکدست تا انتها این بازی را با تماشاگر ادامه می‌دهد و این فرصت را به او می‌دهد تا در دل تاریخ همراه فیلمساز سفر کرده و برداشت خود را از اغراق‌ها، روایت‌های جعلی و حاشیه‌های زندگی طاهر داشته باشد. مستند «طاهر»، به‌دلیل اســـتفاده درست از تصاویر آرشـــیوی، گفتار متن پالوده، اطلاعات و پژوهش غنی که دارد از همان ابتدا تماشاگر را با خود همراه می‌کند و برخلاف اغلب مستندهای پرتره تاریخی که ملال‌آور و کسالت بارند، با طراوت و شوخ‌طبعانه است. حتی مباحث کارشناسی که در فیلم تبدیل می‌شود، چینشی دارند که به فضای بازیگوشانه و طنازانه فیلم لطمه وارد نمی‌شود. «طاهر» نشان می‌دهد که انتخاب درست موضوع و نگاه هوشمندانه به روایت‌های آشنا می‌تواند به خلق آثاری ویژه و به یادماندنی تبدیل شود.

هم نهان و هم نشسته پیش رو

بررسی نظر مولانا درباره امام‌زمان عج

جستار
علی تاجدینی
نویسنده و پژوهشگر

براساس تقویم، ۸مهر روز بزرگداشت جلال‌الدین محمد بلخی (۶ ربیع‌الاول ۶۰۴ – ۵ جمادی‌الثانی ۶۷۲ هجری قمری) معروف به مولوی بود. ۱۳مهر نیز آغاز امامت حضرت ولی‌عصر (عج) است. مطلب پیش‌رو که به بررسی نظر مولانا درباره امام‌زمان(عج) اختصاص دارد، بنا بر اهمیت این ۲مناسبت برای انتشار انتخاب شده است. علی تاج‌دینی، نویسنده و پژوهشگر معرفت دینی، در این مطلب کوشیده تا از چشم مولوی به تبیین جایگاه امام‌عصر (عج) بپردازد. این مطلب بخشی از کتاب در دست انتشـــار «مولوی و اهل‌بیت(ع)» است که برای انتشار به همشـــهری سپرده شده است. چنین مطالب پژوهشگرانه‌ای که میان ادبیات و معرفت دینی پل می‌زند، به نیازهای مهمی در سپهر پژوهش پاسخ می‌دهد. امید است که چنین پژوهش‌هایی بیش از پیش پا بگیرد و به‌دست محققان و پژوهشگران انجام شود.

درباره دیـــدگاه مولانا در موضوع امـــام زمان(عج) کتاب و مقالات مستقلی یافت نمی‌شود. دیدگاه‌های سطحی از جانب برخی افراد در این‌باره مطرح شده که چنـــدان قابل اعتنا نیســـت. از جملـــه برخی با شیفتگی به مولانا خواســـته‌اند بگویند که او شیعه ۱۲امامی بوده و استنادشان به غزلی است که مطلع آن «ای شاه شاهان جهان‌الله مولانا علی» است که در کلیات شـــمس تبریزی چاپ شده است. در این غزل مولانا اســـامی ۱۲امام را صراحتا آورده است. آقای محمد حسن وکیلی این غزل را دلیلی دانسته که مولوی شیعه بوده است.(سایت پیام شیعه) اما به دلایلی این شعر جعلی است. اولا شعر سستی است و با غزل‌های شورانگیز مولانا تناســـبی ندارد. ثانیا مولانا در سراسر غزلیات تخلصش «خاموش» است درحالی که در این غـــزل تخلص به «مولای رومی» کرده و آورده: «اقرار کن اظهـــار کن مولای رومی این سخن»

دســـته دوم که اصرار دارند بگویند مولوی ســـنی بوده اســـت به‌دلیل دیگری تمســـک کرده‌اند. این گروه با تمسک به اعتقاد مولوی به «ولایت نوعیه» معتقدند که مولوی شـــمس تبریـــزی را امام زمان می‌دانسته است.

پس به هر دوری ولیی قائم است
تا قیامت آزمایش است
هر که را خوی نکو باشد برست
هر کسی کو شیشه دل باشد شکست
پس امام حی قائم آن ولی است
خواه از نسل عمر خواه از علی است
مهدی و هادی وی است ای راه‌جو
هم نهان و هم نشسته پیش‌رو

و به کتاب «جامع الشـــتات» میرزای قمی استناد کرده‌اند که نوشته است: «مولوی در این شعر است که اعتراف می‌کند شمس تبریزی همان امام هادی و مهدی اســـت که هم نهان و غایب، هم نشســـته روبه‌روی شما». [نشر کیهان، ۱۳۷۱]

من هر چه شعر را مرور کردم نفهمیدم که میرزای قمی از کجای این شعر اســـتنباط کرده که شمس تبریزی همان امام هادی و مهدی است که هم نهان و غایب است و هم نشســـته روبه‌روی شما. مگر ما شـــیعیان اعتقاد نداریم که امام زمان(عج) در میان ماست و حتی ممکن است روبه‌روی ما نشسته باشد اما ما او را نمی‌شناسیم و در حقیقت ما از او غایبیم. ثانیا میرزای قمی فقیه عالیقدری بوده اما نه فلسفه می‌دانسته و نه با عرفان و کتاب مثنوی عمیقا آشنا بوده است.

اساسا اختلاف شیعه و سنی، بر ســـر ولایت است. حقیقت تشـــیع، اعتقاد به ولایـــت ائمه‌معصومین در ۳ســـطح زعامت، تشـــریع و تکوین است و همه عرفا قائل به حقیقت تشیع هســـتند و بهترین آثار را در حوزه ولایت پدیـــد آورده‌اند. از این‌رو تعابیری چون عرفان شیعی و عرفان سنی به قول سیدجلال آشتیانی از اساس باطل اســـت. خواص از شیعیان معتقدند که نه‌تنها حکومت حق علی و اولاد علی به نص پیامبر بوده است بلکه از آن مهم‌تر مقام تفسیر دین و شریعت و مقام دســـتگیری معنوی که از آن به ولایت تکوینـــی تعبیر می‌کننـــد از آن پیامبر و امامان معصوم است. و عارفان در میان طوایف فکری مسلمانان بیش از همه در این باب داد سخن داده‌اند.

مرحوم مطهری در کتاب «امامـــت و رهبری» در این‌باره کلامی دارند که قابل توجه است:

«شیعه معتقداست که هیچ زمانی خالی از حجّت نیست: وَ لَوْ لَا الْحُجَّه لَســـاخَتِ الاَرْضُ بِاَهْلِها؛ یعنی هیچ وقت نبوده و نخواهد بود که زمین از یک انسان کامل خالی باشد و برای آن انســـان کامل مقامات و درجات زیادی قائل‌اند و مـــا در اغلب زیارت‌ها که می‌خوانیم، به چنین ولایت و امامتی اقرار و اعتراف می‌کنیم؛ یعنی معتقدیم که امام دارای چنین روح کلی است. ما در زیارت می‌گوییم: اَشْهَدُ اَنَّک تَشْهَدُ مَقامی وَ تَســـمَعُ کلامی وَ تَرُدُّ سَلامی. من گواهی می‌دهم که تو الآن وجود مرا در اینجا حس و ادراک می‌کنی، من اعتراف می‌کنم که تو سخنی را که من الآن می‌گویم السَّلامُ عَلَیک یا عَلِی بْنَ موسی‌الرِّضا می‌شـــنوی، من اعتراف می‌کنم و شهادت می‌دهم که سلامی را که من به تو می‌کنم: السَّلامُ عَلَیک تو به من جواب می‌دهـــی. اینها را هیچ‌کس برای هیچ مقامی قائل نیست. اهل تســـنن (غیر از وهابی‌ها) فقط برای پیغمبر اکرم(ص) قائل هســـتند و برای غیرپیغمبر برای احدی در دنیـــا چنین علو روحی و احاطه روحی قائل نیســـتند. ولی این مطلب جزو اصول مذهب ما شیعیان اســـت و همیشه هم آن را می‌گوییم. این مطلب، وجه مشـــترک میان تشیع و تصوف اســـت. کرْبَن در مصاحبه‌ای که با علامه طباطبایی داشت، ازجمله سؤالاتی که کرد این بود که این مسئله را آیا شـــیعه از متصوفه گرفته‌اند یا متصوفه از شیعه؟ علامه طباطبایی گفتند متصوفه از شیعه گرفته‌اند، برای اینکه این مسئله از زمانی در میان شیعه مطرح است که هنوز تصوف صورتی به‌خود نگرفته بـــود و هنوز این مســـائل در میان متصوفه مطرح نبود، بعدها این مســـئله در میان متصوفه مطرح شده است.

مسئله «انسان کامل» و به تعبیر دیگر حجت زمان از اعتقادات صوفیه است که آن را از معارف شیعه اخذ کرده‌اند. عرفا و متصوفه روی این مطلب خیلی تکیه دارند. مولوی می‌گوید: «پـــس به هر دَوْری ولیی قائم است» در هر دوره‌ای یک انسان کامل که حامل معنویت کلی انسانیت است وجود دارد. هیچ عصر و زمانی از یک ولی کامل- که آنها گاهی از او تعبیر به «قطب» می‌کنند- خالی نیست و برای آن ولی کامل که انسانیت را به‌طور کامل دارد مقاماتی قائل هستند که از اذهان ما خیلی دور است. ازجمله مقامات او تســـلطش بر ضمایر یعنی دل‌هاســـت، بدین معنی که او یک روح کلی است محیط بر همه روح‌ها. باز مولوی در داستان ابراهیم ادهم- که البته افسانه است- در این مورد اشاره‌ای دارد. می‌گوید ابراهیم ادهم به کنار دریا رفت و سوزنی را به دریا انداخت و بعد سوزن را خواست. ماهی‌ها سر از دریا درآوردند درحالی که به دهان هر کدامشان سوزنی بود، تا آنجا که می‌گوید:

دل نگه دارید ای بی‌حاصـــلان در حضور حضرت صاحبدلان

و تا آنجا که می‌گوید آن شـــیخ (یعنـــی آن پیر) از اندیشه آن طرف واقف شد:

شیخ واقف گشت از اندیشـــه‌اش شیخ چون شیر است و دل‌ها بیشه‌اش (مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۴، ص: ۷۲۰)

مرحوم همایی نیز در شرح این ابیات (مولوی‌نامه؛ مولـــوی چـــه می‌گویـــد؟، ج ۲، ص: ۸۴۲) بیان روشنگری دارند. وی می‌نویسد:

«در هر زمان از میان برگزیـــدگان الهی فردی که اصلح از همه صالحان آن عصر باشد برای رستگاری بشر مبعوث می‌شود.»

مولوی به تقریر دیگر می‌گوید:

در هـــر دوری از ادوار و هر عصـــری از اعصار ناچار ولی‌عصر و حجت یزدانی کـــه میزان کفر و ایمان و فیصل حق و باطل اســـت وجود دارد و در هر زمان فردی که اصلح از همه صالحان اســـت؛ یعنی آن کس که در آن عصـــر از همه افراد بشـــر لایق‌تر و شایسته‌تر برای گذاردن رسالت و نیابت الهی باشد، از میان برگزیدگان مقرب درگاه خدا برای هدایت و رستگاری و اصلاح امور روحانی بشر مبعوث می‌شود که دعوت جاهلان و دستگیری گمراهان و تکمیل ناقصان و فعلیت‌دادن قوای استعدادی نهفته بشر، بر عهده رسالت اوست و همین فرد اصلح، مصداق خلیفه‌الله و حقیقت انســـان کامل است که او را از باب اتحاد ظاهر و مظهر و تجلی یا تجســـد لاهوت در ناسوت به منصب خلافت و نیابت الهی اختصاص می‌دهیم و کسی که به این افراد دسترسی داشته باشد در بهشت امن آرمیده و از رنج تحری و قیاس و اجتهاد آسوده است و طریق کمال انسانی و تکلیف روحانی سایر افراد بشر این است که آن فرد اصلح را به پیشوایی برگزینند و او را قبله افعال و اعمال خود قرار بدهند و هیچ‌گاه روی از آن قبله برنگردانند.

همایی در بحث از وحدت و تعـــدد اقطاب در یک زمان معتقد است:

بیشـــتر طوایف عرفا و صوفیه و از آن جمله مولوی و مولویه از این جهت با شیعه امامیه هم عقیده‌اند که «امام حی» و «ولی‌عصر» یا «قطب» و «انسان کامل» در هر زمان بیش از یکی نیست.

شیعه باطنیه اســـماعیلیه نیز همچنان معتقدند که «امام ناطق» و «امام قائم» در هر زمان منحصر به یک تن است و اگر یک تن دیگر نیز در آن زمان شایسته امامت و پیشوایی باشد ناچار «امام ساکت» و «امام قاعد» خواهد بود.

اما بعضی از صوفیه معتقد بـــه امکان تعدد اقطاب در یک زمان‌اند.

شیخ عزیز نســـفی عارف نامدار قرن هفتم هجری می‌گوید:

«و این انسان کامل همیشه در عالم باشد، و زیادت از یکی نباشـــد؛ از جهت آنکـــه تمامت موجودات همچون یک شخص اســـت و انسان کامل، دل آن شخص اســـت و موجودات بیدل نتوانند بود؛ پس انسان کامل همیشه در عالم باشد». «و دل زیادت از یکی نبود، پس انسان کامل در عالم زیادت از یکی نباشد؛ چون آن یگانه عالم از این عالم درگذرد، یکی دیگر به مرتبه وی رسد و به جای وی نشیند تا عالم بیدل نباشد.»

مسئله «انسان کامل» و به تعبیر دیگر حجت زمان از اعتقادات صوفیه است که آن را از معارف شیعه اخذ کرده‌اند. عرفا و متصوفه روی این مطلب خیلی تکیه دارند

انقطاع رسالت تشـــریع و دوام دولت امامت و ولایت

همایی درباره شأن دوم امام، یعنی تفسیر و تبیین دین می‌نویسد:

اعتقاد کلی مســـلمانان این اســـت که دوره نبوت تشریعی به‌وجود حضرت خاتم‌الانبیا علیه‌الصلاه و السلام ختم شده است که فرمود «لا نبی بعدی». اما دوره نبوت تفریعی و ولایت تکمیلی که ملازم امامت و ولایت باشد، به عقیده بسیاری از مسلمین به‌خصوص عرفا و صوفیه اعم از شـــیعی و سنی در تمام ادوار و ازمنـــه بدون فترت و انقطـــاع تا قیام قیامت، دوام و استمرار دارد؛ و هیچ عصر و زمان از حجت امام و ولی‌عصر خالی نباشد و به قول مولوی «تا قیامت آزمایش دائم است».(همان ص ۸۹۶)

مهدویت نوعی و مهدی موعود

همایی در جـــواب امثال میرزای قمـــی که تصور کرده‌اند ابیات مولوی ناظر به ولایت نوعیه اســـت وبه‌ویژه از عبارت «خواه از نسل عمر خواه از علی» موضوع ولایت شمسیه و قمریه را در اندیشه عارفان مطرح کرده و معتقد است این بیت ناظر به ولایت قمریه یا هدایت عمومی اســـت که توســـط پیران و مشـــایخ در عرفان مطرح است. شـــاید مربوط به مسئله ارشاد و هدایت عمومی باشد که ملازم دوره امامت و ولایت قمریه اســـت و این امر با شخصیت امام مهدی موعود از عترت طاهره و ســـلاله طیبه پیغمبر اکرم و آل علی علیهم‌السلام که به اعتقاد گروهی کثیر از عرفای شیعی و سنی، خاتم ولایت شمسیه محمدیه است، منافات ندارد و مولوی خود در ابیات ذیل گویا به ظهور موعود اشاره کرده است؛ یعنی آن جهان آرام و آن مدینـــه فاضله که در آن همه رنگ‌ها و نیرنگ‌ها، به صفـــا و یک‌رنگی بدل شده باشد.

«برای مزید فایدت می‌افزاییم که مسئله امامت و معرفت امام حی یکـــی از اصول عمده مذهب کلی طوایف شیعی اســـت و بعضی مانند فرقه باطنیه اســـماعیلیه در امر امامت چنـــدان پیش می‌روند که آن را یگانه اصل اساســـی و رکن عمده دین و مذهب می‌دانند و بر معرفت خدا و رسول نیز مقدم می‌دارند؛ به این معنی که می‌گویند همان امام حی قائم ناطق است که ما را به خدا و پیغمبر رهبری و راهنمایی می‌کند و ما باید خدا و رسول را همانطور که او تعلیم می‌دهد و معرفی می‌کند بشناسیم نه از پیش خود و با عقل کوتاه و اندیشه‌های نارسای خود و نه از روی آرا و اهوای دیگران. اخبار و روایات شیعی که در امر امامت و معرفت امام ایراد شده و به اعتقاد من بهتریـــن و جامع‌ترین مؤلفاتش جلد هفتم «بحارالانوار» علامه ملا محمدباقر مجلسی است (متوفی ۱۱۱۰ه. ق) مشحون از نکات دقیق مذهبی و لطایف عرفانی مربوط به این مسائل است. اگر از اختلاف الفاظ و اصطلاحات صرف‌نظر کنیم و افکار و عقاید ملل و طوایف را بی‌پیرایه لفظ و عبارت بسنجیم به‌نظر من روح عقیده مولوی در احتیاج بشر به هدایت و رهبری پیر طریقت و وجوب معرفت و پیوستن به انسان کامل و تجلی ربوبیت در مظهر بشری، با ریشه مذهب خواص شیعه مانندگی قوی، یا پیوند و رابطه معنوی دارد؛ در مقدمه «تفســـیر مثنوی» در هوش ربا نیز به این نکته اشاره کرده‌ایم. (همان ص ۹۵۲)

همایی در بیـــان اینکه حجت حـــق در هر زمان موجود اســـت و «به هر دوری ولیی قائم اســـت» می‌نویسد:

مهدی هادی وی است‌ای راه جو
هم نهان و هم نشسته پیش رو

یعنی آن ولی قائم، مهدی و هادی صراط مستقیم الهی اســـت؛ خواه پنهان و غایب، و خواه حاضر و پیش روی ما نشسته باشـــد؛ درهر دو حال همای شـــفقت و هدایت و عنایتش بر ســـر ما بال گستر است و فیض روحانیت او به ما می‌رسد.(همان ج ۲ ص ۸۵۱)

رویداد

برگزاری همایش بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی

همایش ملی منطق بازســـازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور توســـط پژوهشـــکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی شنبه(۲۳ مهرماه جاری) در مرکز همایش‌های بین‌المللی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران برگزار می‌شود. نظر به ضرورت «اصلاح و ارتقای ساختار نهادهای فرهنگی کشور» و پیرو تأکیدات رهبر معظم انقلاب اســـلامی درخصوص بازســـازی انقلابی ساختار فرهنگی، پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی پژوهشگاه همایش ملی با عنوان «منطق بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور» را با همکاری دســـتگاه‌های فرهنگی مرتبط، همچون سازمان صداوسیما، شورای‌عالی انقلاب فرهنگی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اســـلامی، سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران و شورای فرهنگ عمومی در روز شنبه مورخ ۲۳ مهرماه جاری در دو بخش صبح و عصر (۸ تا ۱۸) در مرکز همایش‌های بین‌المللی صداوسیما برگزار می‌کند.

افتتاحیه این همایش در نوبت صبح با حضور و سخنرانی آیت‌الله علی‌اکبر رشاد(رئیس و مؤسس پژوهشـــگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی)، مسعود اســـماعیلی(وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی)، حجت‌الاسلام سیدسعیدرضا عاملی(دبیر شورای‌عالی انقلاب فرهنگی)، حجت‌الاسلام محمد قمی (رئیس سازمان تبلیغات اسلامی) و پیمان جبلی (رئیس صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران) از ساعت ۸ صبح لغایت ۱۲ ظهر ادامه خواهد داشت.

۴ محور اصلی همایش «منطق بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور» عبارتند از:

الف) هویت ساختار انقلابی فرهنگ ب) نقّادی ساختار فرهنگی کنونی ج) وضعیت مطلوب ساختار فرهنگی کشور د) چگونگی بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور

همچنین نوبت عصرگاهی این همایـــش در قالب میزگردهای تخصصی در محورهای: بازخوانی وضع ساختاری کنونی، طراحی وضع ساختاری آرمانی، سازکارهای بازسازی انقلابی در ساختار و موضوعات میزهای تخصصی نیز متشکل از: ساختار فرهنگی و نهاد دین، ســـاختار فرهنگی و نهاد خانواده، ساختار فرهنگی و مردم، ســـاختار فرهنگی و رســـانه و فضای مجازی، ساختار فرهنگی و نهاد تعلیم و تربیت و ساختار فرهنگی و نهاد دولت برگزار خواهد شد.

فلسفه شادی

کتاب «فلسفه شـــادی» نوشته لورین به‌سر با ترجمه ناصر مؤمنی توسط نشر لگا منتشر شد. اصل این کتاب در سال ۲۰۲۱ از سوی انتشارات راتلج منتشر شده اســـت. این کتاب نه‌تنها فلسفه شادی، بلکه جنبه‌های علمی، اقتصادی و سیاسی شـــادی را پوشش می‌دهد و موضوعات عملی مربوط به این مسئله را که چگونه می‌توان شادتر بود با رویکردهایی نو از نظر می‌گذراند. کتاب حاضر برای کلاس درس و محققانی که می‌خواهند در این زمینه بیشتر تحقیق کنند و کسانی که تمایل دارند تا هنرمندانه اندیشیدن در مورد شادی را بیاموزند، مناسب است.

در بخشـــی از کتاب می‌خوانیـــم: «برای بیشـــتر ما مفهوم «شادی» یک امر اسرارآمیز است. گاهی اوقات در تخیلات و تأملاتمان بسیار به شادی می‌اندیشیم: آیا این شغل باعث خوشحالی من می‌شـــود؟ آیا انتخاب این شخص به‌عنوان شـــریک زندگی من را خوشـــحال می‌کند؟ آیا خوردن آن کیک شکلاتی باعث خوشحالی من می‌شود؟ همچنین در آن لحظه‌هایی که غرق اندیشه هســـتیم، وقتی می‌پرسیم «آیا خوشحالم»، به شادی می‌اندیشیم. . . واقعیت این است که فهم اینکه آیا شغلی جدید باعث خوشحالی من می‌شود یا نه دشوار است. برای بســـیاری از ما شادی همچون خط و مرز نهایـــی عمل می‌کند: در پایـــان روز فقط می‌خواهیم که خوشحال باشیم. ما شـــادی را برای خودمان و خانواده و دوســـتانمان می‌خواهیم. اگرچه می‌دانیم که شادی ممکن است به تنهایی حائز اهمیت نباشد، به سختی می‌توانیم کسی را بیابیم که واقعاً معتقد باشد شادی امری بی‌اهمیت است. در ضمن اگر به چنان کسی برخوردیم به‌شدت گیج شده و تقریباً نگران او می‌شویم: چه‌کســـی معتقد است که شادی چیز خوبی نیست؟»

کتاب «فلسفه شادی» از سری مجموعه معنای زندگی نوشته لورین به‌سر به ترجمه ناصر مومنی در ۲۶۲صفحه به بهای ۱۱۸هزار تومان از سوی نشر لگا منتشر شده است.

روایت مدرسه دوباتن از اعتماد به نفس

نشـــر کرگدن به‌تازگی کتاب دیگری از مجموعه مدرسه زندگی با عنوان «اعتماد به نفس: به روایت مدرســـه دوباتن» اثر آلن دوباتن و ترجمه صفورا رهبری را با شمارگان هزار نسخه، در ۱۱۲ صفحه و با قیمت ۴۵ هزار تومان منتشر و به بازار نشر کشـــور عرضه کرده است. مدرسه زندگی یک مؤسسه آموزشی با تمرکز بر زندگی بهتر و عاقلانه‌تر است که در سال ۲۰۰۸ توسط فیلسوف آلن دوباتن با همکاری تعدادی از نویسندگان و هنرمندان تأســـیس شد. در معرفی کتاب آمده است: «خبرهایی درباره موفقیت از درودیوار می‌بارد و همه این خبرها دست‌به‌دست هم داده‌اند تا موفقیت را آسان‌تر از چیزی که واقعاً هســـت جلوه دهند و بنابراین، بی‌آنکه خبر داشته باشیم، اعتمادبه‌نفسی را که می‌توانیم در مقابله با موانع در خودمان ایجاد کنیم ویران می‌کنند. آدم‌های جدی معمولاً از اهمیـــت اعتمادبه‌نفس غافل‌اند: وقـــت خیلی زیادی صرف می‌کنیم تا مهارت‌های فنی بیاموزیم و وقتی بسیار اندک صرف می‌کنیم تا تنها قابلیتی را که کمک می‌کند از آن مهارت‌ها در زندگی استفاده کنیم به‌کار ببندیم. راه رسیدن به اعتمادبه‌نفس بیشتر این نیست که به‌خودمان اطمینان بدهیم شأن و منزلتی داریم، بلکه این است که با مسخره بودن محتوم ذاتمان سازگار شویم. راه رســـیدن به اعتمادبه‌نفس بیشتر با اجرای این آیین آغاز می‌شود که هر روز صبح به‌طور جدی، قبل از اینکه روزمان را آغاز کنیم و از خانه بیرون برویـــم، به‌خودمان بگوییم آدمی بی‌شعور، کودن، احمق و خنگ‌ایم. آن‌وقت یکی دو تا حماقت بیشتر دیگر زیاد مهم نیست.»